بررسی رابطه‌ی کیفیت زندگی دانشجویان با نگرش کارآمد به نظام سیاسی

غلامرضا جمشیدی‌ها[1]، حسین کردی[2]، مهدی محمدی[3]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۱۲

چکیده

مقاله به بررسی رابطه میان ابعاد کیفیت زندگی دانشجویان با کارآمدی نظام سیاسی و تحلیل عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. جامعه‌ی آماری تحقیق کلیه‌ی دانشجویان سه دانشگاه دولتی استان مازندران است که تعداد ٤٤٥ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد، که گستردگی دو مفهوم کیفیت زندگی و کارآمدی نظام سیاسی مانع از تأیید یا رد یک فرض یا بحث قابل اجماع و واحد می‌شود، به همین دلیل نمی‌توان از رابطه ساده و یک سویه میان کیفیت زندگی و کارآمدی نظام سیاسی سخن گفت، بلکه برای رسیدن به یک رابطه‌ی واقعی و دقیق باید کلیه شاخص‌ها و ابعاد حداکثری موضوعات را مبنا قرار داد. ضریب همبستگی کیفیت زندگی با نگرش کارآمد به نظام سیاسی مثبت است؛ این نتیجه فرضیه‌ی تحقیق را تأیید می‌کند. اما در بررسی رابطه‌ی ابعاد جزیی دو متغیّر چنین رابطه‌ای دیده نمی‌شود. به طور خاص رابطه‌ی کیفیت مادی و فیزیکی زندگی در دو وضعیت خیلی عالی و خیلی ضعیف آن، با نگرش کارآمد دانشجویان به نظام سیاسی رابطه‌ی منفی را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: بعد ذهنی کیفیت زندگی، کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، کیفیت مادی زندگی و کارآمدی نظام سیاسی

مقدمه

در دهه‌های اخیر، به دنبال ناکارآمدی رویکردها و راهبردهای توسعه‌ای با محوریت رشد اقتصادی، وجوه اجتماعی توسعه به نحو فزاینده‌ای مورد توجه محافل دانشگاهی و مراکز سیاست‌گذاری عمومی قرار گرفته و به تدریج مفاهیم و سازه‌های جدیدی مانند «کیفیت زندگی» جای خود را در بحث‌های نظری و مطالعات تجربی پیدا کرده است (صادقی، ۱۳۸۹:

۱ . دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) gjamshidi@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور، تهران

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

۲۶). در میان صاحب‌نظران، مفهوم کیفیت زندگی یک مفهوم چند بعدی در نظر گرفته شده است. امروزه در مطالعات جهانی، مفهوم کیفیت زندگی را شامل متغیّرهای متعدد در حوزه‌های مختلف اقتصادی، امنیتی، خانوادگی و جمعیتی می‌دانند (عنبری، ۱۳۸۹: ۱۵٤). این تلقی از توسعه و به کارگیری مفهوم کیفیت زندگی آن هم در ابعاد چندگانه‌ی جسمی، روانی، اجتماعی و سیاسی (امنیت سیاسی- اجتماعی، همبستگی اجتماعی، ادغام اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی) و کاربرد آن در حوزه‌های حرفه‌ای متفاوت و سطح تحلیلی که می‌تواند مربوط به عاملان، فرآیندها، موقعیت‌ها و ساختارها باشد، مفهوم کیفیت زندگی را به مفهوم کارآمدی نظام سیاسی پیوند می‌دهد.

کارآمدی[1] نظام سیاسی که دربرگیرنده وجه سیاسی توسعه است، بیان کننده‌ی قابلیت و توانایی اداره‌ی هر کشور از سوی مدیران و کارگزاران آن است و ایفای بهینه‌ی کار ویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایت‌مندی مردم را در پی دارد. هر حکومتی ممکن است در عرصه‌ی تحقق کارویژه‌ها، وظایف و اهداف خود با درجه‌ای از ناکارآمدی و دغدغه‌ی آن روبه‌رو شود. کاهش کارآمدی، بیماری گریزناپذیر هر نظام سیاسی است و نظام‌هایی موفق‌اند که همواره با ارائه‌ی راهکارهای نظری و عملی در علاج این بیماری موسمی می‌کوشند؛ هر چند این مداوا قطعی نیست. بر این اساس، نظام‌های کارآمد به دنبال تجربه‌ی راه‌های جدیدی برای افزایش کارآمدی خود هستند؛ زیرا این واقعیت دارد که ناکارآمدی از اساسی‌ترین چالش‌های توسعه و پیشرفت هر کشور و از علل اساسی مخل این مسیر است و هرگونه طراحی توسعه باید جای ویژه‌ای را برای ارتقای کارآمدی در کلیه‌ی جوانب و عرصه‌ها قائل باشد.

طرح مسأله

پیامدهای مدرنیته بر روی شاخص‌های کیفیت زندگی به صورت پدیده‌ای چند بعدی و متناقض عمل می‌کند که در درون خود به صورت هم‌زمان افزایش تولید و افزایش مصرف، برخورداری بیش‌تر از امکانات زندگی و زیاده‌خواهی، کاهش فقر مطلق و تشدید فقر نسبی،

1- Effectiveness

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

افزایش اعتماد انتزاعی و کاهش اعتماد در روابط شخصی، تشدید وابستگی اجتماعی و کاهش همبستگی اجتماعی، افزایش ارتباطات اجتماعی و رشد فردگرایی را به همراه دارد. بر همین اساس، تأثیر کیفیت زندگی در نگرش افراد به کارآمدی یا ناکارآمدی نظام سیاسی به صورت چالشی، قابل بررسی است. برای نمونه، در ایران، هر ساله به دلایل مختلف از جمله افزایش بهای نفت و افزایش صادرات، بر درآمد ملی افزوده می‌شود. اما به تناسب افزایش درآمد و ثروت ملی، میزان شکاف درآمدی، کاهش مطلوب نداشته است و به شکل محسوسی بر میزان فقر نسبی افزوده شده است. اگر به آمارهای مربوط به سطح فقر نگاه کنیم، مشاهده می‌شود که در طول سال های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵ میزان فقر در کشور از ٤٨ درصد در سال ۱۳۵۱، به ۱۷ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. علاوه بر این کاهش، مقایسه‌ی میزان جمعیت فقیر در دوره‌ی مورد بررسی نشان می‌دهد که جمعیت فقیر کشور از ١٤٥٦٣٥٨٠ نفر در سال ۱۳۵۱ با نرخ رشد متوسط سالانه معادل ١/٤ درصد به ١٠٣٢١٦٧٠ نفر در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است (عنبری، ۱۳۸۹: ١٦٤). در گزارش توسعه‌ی انسانی سال ۲۰۰۵، ایران از نظر فقر میان ۱۰۳ کشور در حال توسعه، رتبه‌ی ٣٦را به خود اختصاص داده است. در این سال، دو درصد مردم ایران با کمتر از یک دلار در روز، ۷/۳ درصد نیز با کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند. بر اساس ضریب جینی در کشور، در سال ۱۳۷۹، دهک پایین در آمدی در ایران، ۲ درصد درآمد و مصرف، و دو دهک پایین درآمدی ۵/۱ درصد درآمد و مصرف و دو دهک بالای درآمدی نیز ٤٩/٩ درصد درآمد و مصرف را کسب می‌کنند. این ارقام نشان می‌دهند که درآمد و هزینه-های دهک ثروتمند جامعه، ۱۷ برابر درآمد دهک فقیر جامعه است (همان: ١٦٥). بررسی تغییرات ساختار هزینه‌ها همراه با تغییرات درآمد و به ویژه سطح تورم، بیان کننده‌ی افزایش دامنه‌ی فقر(نسبی) در کشور است، با این‌که افزایش درآمدها در این سال‌ها دیده می‌شود، اما افزایش هزینه‌ها همراه با گسترش تورم، موجب افزایش فقر و کاهش سطح زندگی شده است (همان: ١٦٦). طی سال‌های مختلف، میزان رضایت از وضعیت فردی زندگی، روند رو به رشدی دارد و در مجموع میزان رضایت افراد از این حوزه بالا است. اما در خصوص ارزیابی فرایندهای اجتماعی شامل رفتارها و مسائل اخلاقی جامعه، عدالت، اشتغال، تورم و ... رضایت عمومی سیر نزولی نشان داده می‌شود (همان: ۱۷۲). هم‌چنین، نتایج یک نظرسنجی که در سال ۱۳۸۲ از مردم شده است، نشان می‌دهد که مردم، شرایط جامعه را نسبت به پنج سال قبل از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

نظر شکاف طبقاتی و افزایش آسیب‌های اجتماعی به مراتب «بدتر» دیده‌اند (دفتر طرح های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲: ۱۱۱-۱۲۵).

حال پرسش این است که این تغییرات با تغییرات در نگرش افراد به کارآمدی یا ناکارآمدی به نظام سیاسی همراه بوده است؟ در این‌جا، چگونگی رابطه میان ابعاد گوناگون کیفیت زندگی با نگرش کارآمد به نظام سیاسی پرسشی است که تلاش می‌شود در پژوهش حاضر به آن پاسخ داده شود.

چارچوب مفهومی و نظری

در حوزه‌ی مفاهیم سیاسی، معمولاً رابطه‌ی کارآمدی با مفاهیمی مانند مشروعیت و اقتدار سنجیده می‌شود. از سویی مفهوم کارآمدی و کارایی نیز جزء مفاهیم کلیدی در حوزه‌ی نظریات توسعه‌ی و به‌ویژه توسعه سیاسی است(اخوان کاظمی، ۱۳۸٤: ۱۹). از مشروعیت تعاریف فراوانی کرده‌اند؛ اما در مجموع پرسش از چرایی الزام و التزام سیاسی، پرسش از مشروعیت است. این مفهوم به معنای میزان اعتقاد شهروندان به دولت، به مثابه‌ی تجسم بخش منافع آن‌ها و باور به حقانیت و شایستگی دولت در برخورداری از قدرت و اعمال آن بر شهروندان است. به تعبیر رابرت دال «وقتی حکومتی مشروعیت دارد که مردم تحت فرمان، نسبت به ساختارها، عملکردها، اقدامات، تصمیمات، سیاست‌ها، مقامات و رهبران یا حکومت اعتقاد راستین داشته باشند و بر این باور باشند که از شایستگی و درست‌کاری برخوردار هستند»(دال، ۱۳٦٤: ۷۰). مبحث کارآمدی و کارایی نیز در علم و عمل سیاست دارای جایگاه وزین و با اهمیتی است؛ زیرا در هر حال، هر نظام سیاسی، گسترده‌ترین و کلان‌ترین شکل یک نظام مدیریتی است و خواه و ناخواه دست‌یابی به حداکثر کارآمدی و کارآیی این نهاد، جزءِ اصلی‌ترین خواست‌های هر نظام سیاسی است. مشروعیت از نظر لغوی گاهی به معنای «حقانیت»، گاه «قانونی بودن» و زمانی به معنای «مقبولیت و پذیرش عمومی» است. مشروعیت و کارآمدی دو شرط اصلی بقای هر حکومتی است و میان آن‌ها تعامل و ارتباط دو جانبه و مستقیمی وجود دارد. کارایی با بازده عملی هر سامانه (سیستم) مترادف است و منظور از آن نتیجه بخش بودن یک طرح، برنامه یا سیاست است. نظام سیاسی آن‌گاه کارایی دارد که بتواند وظیفه‌هایی را که بیش‌تر مردم از آن انتظار دارند، انجام دهد. بدین ترتیب رابطه میان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

مشروعیت و کارایی در یک نظام سیاسی اهمیت حیاتی دارد؛ زیرا بودن یا نبودن یکی، می‌تواند در درازمدت به رشد یا از دست رفتن دیگری منجر شود. به نظر لیپست، ثبات یک رژیم به رابطه میان دو مفهوم مشروعیت و کارایی بستگی دارد (لیپست، ۱۹۵۹: ۷۷). مشروعیت بالای یک نظام سیاسی به‌طور قابل توجهی تمایل و اشتیاق مردم برای تحمل کمبودها و نقایص کارایی را افزایش می‌دهد. بر این اساس، کیفیت زندگی به عنوان محصول آن متولد می‌شود و هم‌چنین، سبب افزایشی در کیفیت زندگی است.

کارآمدی منبع مشروعیت، مشروعیت‌زا و مایه‌ی تقویت آن است. در حقیقت کارآمدی در حوزه‌ی مفهوم «مشروعیت‌یابی[1]» قرار می‌گیرد که به معنای فرآیندی است که طی آن حکومت ها به بسط و گسترش پایگاه اجتماعی خود و هم‌چنین بالابردن درجه‌ی رضایت مردم می‌پردازند و سعی می‌کنند مقبولیت اجتماعی و موقعیت سیاسی خود را تثبیت کند و همراهی و هم‌سویی میان مردم و حکومت را به لحاظ حمایت از ارزش‌ها و آرمان‌ها به دنبال خواهد داشت. وظیفه‌ی اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه جانبه از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، مادی و معنوی همه‌ی شهروندان، به ویژه پاسداری از آسایش و امنیت تک تک آنان در اجتماع است. پشتیبانی واقعی و عینی مشروعیت هر نظامی وابسته به کارآیی آن است. موری یکی از شرایط مؤثر در بهبود کیفیت زندگی را وجود قدرت سیاسی کارآمد برای اجرا و تقویت استانداردهای جمعی می‌داند (موری، ۱۹۹۸: ۵۳).

از سوی دیگر، در میان صاحب‌نظران مفهوم کیفیت زندگی یک مفهوم چند بعدی در نظر گرفته شده است (عنبری، ۱۳۸۹: ۱۵٤). لیو[2] (۱۹۷٦) سه رویکرد را در بررسی مفهوم کیفیت زندگی ارائه می‌دهد: ۱- تعریف کیفیت زندگی بر اساس عناصر تشکیل دهنده‌ی آن مانند: شادکامی، رضایت‌مندی، ثروت، سبک زندگی و ... ۲- تعریف کیفیت زندگی با به‌کارگیری شاخص‌های عینی و ذهنی اجتماعی مانند: بهداشت، شاخص رفاه، شاخص آموزش و ... ۳- تعریف کیفیت زندگی بر اساس تعیین متغیّرها یا عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی و توجه به زمینه‌ها و شرایطی که در آن، سطح کیفیت زندگی تعیین می‌شود. دیوید فیلیپس[3]

1 -Legitimation
2 -Liu
3- David Phillips

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

کیفیت زندگی را در ابعاد فردی و جمعی مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر او لازمه‌ی کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی برای برآوردن خواست‌های اجتماعی شهروندان است. در بعد ذهنی به داشتن استقلال عمل در افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایتمندی، هدفداری در زندگی و رشد شخصی، رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی اجتماعی و مشارکت گسترده در فعالیت‌های اجتماعی اشاره می‌کند و در بعد جمعی آن بر ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه‌ها و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، چون انسجام مدنی، یک‌پارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقت در تمامی سطوح جامعه، هنجارها، اعتماد، نوع‌دوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری‌طلبی تأکید دارد (فیلیپس، ۲۰۰٦: ۲٤۲).

از نظر دیوان[1] کیفیت زندگی به عنوان حالتی در نظر گرفته می‌شود که فرد در آن نسبت به خودش، طبیعت و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، احساس درونی دارد (دیوان، ۲۰۰۰: ۳۱۵). او داشتن هدف را در زندگی و برخورداری از روابط مناسب با دیگران را به عنوان دو عامل در ایجاد این حالت مؤثر می‌داند. موری[2] نیز چهار مجموعه شرایط را برای بهبود کیفیت زندگی مؤثر می‌داند که شامل: منابع مادی پایه‌ای، امنیت، اعتماد به نفس و استقلال و توانمندی لازم برای خشنودی انسانی را در بر می‌گیرد (موری، ۱۹۹۸: ۵۳). رویکرد توسعه‌ی انسانی نیز به عنوان یکی از نظریه‌های تبیین کننده‌ی کیفیت زندگی عواملی چون آزادی، تامین حقوق انسانی و عزت نفس را از لوازم توسعه‌ی انسانی برمی‌شمارد (برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل، ۱۹۹۰: ۱۰). در سال‌های اخیر، نظریه‌ی امنیت انسانی نیز به عنوان مکملی برای رویکرد توسعه انسانی وارد مباحث کیفیت زندگی شده است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۲۵). در همین زمینه باجپای (۱۳۸٤) امنیت سیاسی در معنای عدم سرکوب دولتی و فقدان نقض سازمان یافته‌ی حقوق بشر را از شرایط امنیت انسانی برمی‌شمرد.

آمارتیا سن[3] اصطلاح قابلیت را اولین‌بار در سال ۱۹۷۹ در بحث پیرامون رویکردی

1- Divan
2- Murray
3 -Amartya Sen

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

برای تبیین بهزیستی و رفاه در چارچوب آزادی‌ها، به ویژه آزادی انتخاب به کار گرفت (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۳۰). از نظر او، انواع آزادی در بعد ابزاری عبارتند از «آزادی‌های سیاسی، تسهیلات اقتصادی، فرصت‌های اجتماعی، تضمین شفافیت و تامین حمایتی» (سن، ۱۳۸۲: ٥٤).

مارشال[1] در نظریه‌ی خود با عنوان « شهروندی اجتماعی که متکی بر حقوق اجتماعی، سیاسی و مدنی است»، برابری اجتماعی (برابری حقوق شهروندان) را مهم‌تر از برابری درآمد می‌داند (نش، ۱۳۸۰: ۱۹۲).

در قالب رویکرد ساختاری به مفهوم کیفیت زندگی، برنارد، برگر- اشمیت و نول معتقدند کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند، مفهوم‌سازی شود (برنارد، ۱۹۹۹، برگر- اشمیت، ۲۰۰۲ و نول، ۲۰۰۲). برگر- اشمیت و نول در قالب نظریه کیفیت فراگیر زندگی[2] به عوامل کیفیت اجتماعی هم‌چون برابری، انصاف، آزادی، امنیت و انسجام بیش از عوامل فردی توجه دارند. هم‌چنین مفهوم کیفیت زندگی به دو دسته عاملیت‌گرا و ساختارگرا نیز تفکیک شده است. در این رویکردها عاملیت فرد در مرکزیت بحث پیرامون کیفیت زندگی قرار دارد؛ یعنی بیش‌تر ناظر بر ذهنیت، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد است تا شرایط ساختاری اجتماعی یا محیط پیرامونی و کیفیت زندگی در معنای ساختاری آن به مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه‌ی عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند، مفهوم‌سازی می‌شود (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۱۳-۱٤).

اینگلهارت، اعتماد متقابل را بخشی از نشانگان فرهنگی پایداری می‌داند که به بقای دموکراسی منجر می‌شود. به نظر وی، رضایت و اعتماد اندک موجب می‌شود که شخص به احتمال قوی نظام سیاسی موجود را نپذیرد و از راست یا چپ افراطی حمایت کند

1- Marshall
2- Overararching Quality of life

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

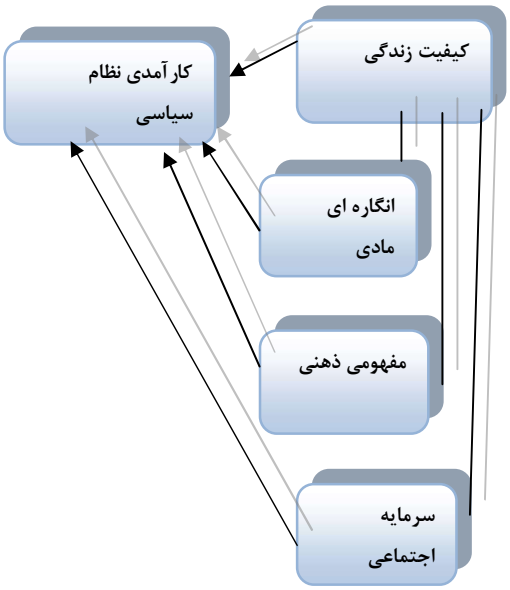
(اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۳٦-٤۱). به نظر پاتنام[1]، اعتماد به دولت می‌تواند علت یا پیامد اعتماد اجتماعی باشد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۳٦). نیوتن[2] نیز اعتماد نهادی را انعکاس ویژگی‌های ساختار سیاسی در نظر شهروندان می‌داند. به نظر نیوتن، سازمان‌های سیاسی- اجتماعی کارآمد، به ایجاد دولت کارآمد و مشروع یاری می‌رساند که این خود به شکل‌گیری شرایط اجتماعی مناسب برای سرمایه اجتماعی بالا و جامعه مدنی توسعه یافته با برخورداری از امکانات زندگی بالاتر کمک می‌کند (فرایندی از بالا به پایین). اعتماد سیاسی فردی نیز به ایجاد نهادهای کارآمد سیاسی می‌انجامد که این نیز به نوبه خود به بهبود عملکرد دولت، منجر شده و موجب شکل گیری سرمایه‌ی سیاسی و شرایط رشد جامعه مدنی می‌شود (فرایندی از بالا به پایین و برعکس). بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی و جامعه‌ی مدنی توسعه یافته، امکان ایجاد دولت مفید را فراهم می‌کند و دولت کارآمد به بقای سرمایه‌ی اجتماعی و شرایط جامعه‌ی مدنی، یاری می‌رساند (نیوتن، ۲۰۰۱: ۲۰۵).

با توجه به آن‌چه که تاکنون در مباحث نظری آمد، مفهوم کارآمدی نظام سیاسی به عنوان شاخصی برای کیفیت زندگی سیاسی می‌تواند در نظر گرفته شود. مفاهیم کارایی و کارآمدی و اثربخشی در بسیاری از فرهنگ‌ها و متون مرتبط با علم اقتصاد و دانش مدیریت، به شکل متداخل و مترداف به کار گرفته شده‌اند. مثلاً هر سه واژه را به معنای استفاده‌ی مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و مشخص تعریف کرده‌اند (گلریز، ۱۳٦۸: ۱۷۱). بنابراین، ضمن در نظر گرفتن رابطه‌ای نسبتاً مستقل برای تعیین میزان رضایت افراد در سطوح شخصی زندگی در مقایسه‌ی رضایت‌مندی افراد از فرایندهای اجتماعی، طبق بحث‌های انجام شده انتظار می‌رود کیفیت زندگی و میزان کارآمدی نظام سیاسی در رابطه‌ای متقابل قرار گیرند و پیش‌بینی آن است که افزایش یکی موجب افزایش دیگری است و کاهش یکی موجب سیر کاهشی دیگری می‌شود. بر همین اساس، مفروض انگاشته شده است که «کیفیت زندگی، نگرش کارآمد به نظام سیاسی را بطور مستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهد و نگرش ناکارآمد به نظام سیاسی نیز بر کیفیت زندگی اثری

1 -Putnam ,Robert
2- Newton ,kennet

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

منفی دارد.» بر این اساس، فرضیه های زیر پیشنهاد می شود:



شکل شماره‌ی (۱) - مدل نظری پژوهش (منبع نگارندگان)

فرضیه‌های تحقیق

-میان کیفیت زندگی و نگرش کارآمد به نظام سیاسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

- با افزایش بعد ذهنی کیفیت زندگی، نگرش کارآمد به نظام سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

-با افزایش کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، نگرش کارآمد به نظام سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

- با افزایش کیفیت مادی زندگی، نگرش کارآمد به نظام سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

روش شناسی

در این تحقیق از روش پیمایش برای به دست آوردن اطلاعات و دیدگاه‌ها استفاده شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه است. روش تحلیل داده‌ها تحلیل کمی است که به دو صورت تحلیل توصیفی و تبیینی انجام شده است. در تحلیل توصیفی از تکنیک‌هایی مانند جدول‌های توزیع فراوانی و در تحلیل تبیینی نیز از تحلیل رگرسیون و نمودار تحلیل مسیر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

استفاده شده است.

جدول شماره‌ی (۱)- مقدار ضریب آلفای کرونباخ

متغیر ها	مقدار ضریب آلفای کرونباخ
کیفیت زندگی	۰/۹۱
بعد ذهنی کیفیت زندگی	۰/۸۹
کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی	۰/۷۳
کیفیت مادی زندگی	۰/۸۰
کارآمدی نظام سیاسی	۰/۹٤
میانگین ضرایب آلفای کرونباخ	۰/۹۰

جامعه‌ی آماری شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری سه دانشگاه دولتی استان مازندران که عبارتند از: ۱- دانشگاه مازندران، ۲- دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل و ۳- دانشگاه علوم پزشکی ساری در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲. برای انتخاب دانشجویان از روش نمونه گیری طبقه بندی استفاده شد. بدین ترتیب که تعداد دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها انتخاب شده و سپس لیست دانشجویان هر دانشگاه و دانشکده با توجه به مقاطع تحصیلی و جنسیت، درصد آنان تهیه شد و افراد با روش نمونه‌گیری تصادفی از روی لیست انتخاب گردیدند. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای برابر ٤٤٥ نفر محاسبه شد که با توجه به متغیّرهای تحقیق و نسبت‌های متناسب با تعداد دانشجویان هر دانشگاه و دانشکده‌های آن و سهمی که از حجم نمونه به آنها تعلق می‌گرفت، نمونه گیری به عمل آمد. اعتبار پرسش‌نامه‌ی این پژوهش به سه شیوه‌ی: رجوع به استادان و متخصصان صاحب‌نظر در حوزه پژوهش؛ رجوع به نظریه ها و تعاریف معتبر و هم‌چنین تحقیقات پیشین ارزیابی شده است. برای به‌دست آوردن پایایی، از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شده است. این شیوه سنجش پایایی مبتنی بر محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، بر اساس میزان همبستگی تک تک موارد تشکیل دهنده‌ی مقیاس با کل مجموعه است. در این تحقیق ضرایب بالای ۷۰ درصد به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

عنوان حداقل ارزش، مورد پذیرش قرار گرفت. در این زمینه ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده در جدول شماره (۱) آمده است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیّرها

کیفیت زندگی در این تحقیق به‌وسیله ۲۳ گویه و در دو بعد عینی و ذهنی و ابعاد سه گانه که در برگیرنده‌ی بعد ذهنی کیفیت زندگی، کیفیت زندگی به عنوان سرمایه ای اجتماعی و کیفیت مادی زندگی است مورد سنجش قرار گرفته اند.

بعد ذهنی کیفیت زندگی از این رو مهم است که انسان بر اساس تصویر ذهنی خود از واقعیت – نه خود واقعیت – زندگی می‌کند و رفتارش متأثر از برداشت‌های ذهنی و درکی است که از واقعیت دارد و در مواردی این برداشت‌ها و ادراکات، الزاماً با واقعیت انطباق ندارند. افزون بر آن، تصویر ذهنی و برداشت هر فرد درباره‌ی واقعیتی معین با دیگری تفاوت دارد. بر این اساس می‌توان گفت که برداشت ما از شرایط عینی و واقعیت‌های زندگی است که احساس‌مان را درباره‌ی زندگی و کیفیت زندگی شکل می‌دهد (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۲٤). از مهم‌ترین متغیّرهای ذهنی کیفیت زندگی عبارتند از: نگاه فرد به زندگی (نگاه فرد به مرگ عزیز، رنج، بیماری، درد، کمبودها، فقر و محدودیت‌ها)، تعریف فرد از زندگی و معنای آن، نگاهش به طبیعت و هستی، احساس فرد به حقوقش (تا چه اندازه حقوق او در جامعه تأمین می‌شود، ارزیابی فرد از این که تلاش‌های خانواده و جامعه تا چه حد به بهبود زندگی او و تأمین نیازهایش کمک کرده است، تخیل و تجسم (میل به شناخت و درک و فهم جهان، ساختن واقعیت به هر شکل آن در ذهن و خیال و تلاش برای تحقق آن در قالب هنر، علم و تکنولوژی)، میل شدید به رشد و توسعه و یادگیری مستمر، نیاز به شکوفایی و تعالی و توسعه‌ی مستمر.

بعد مادی کیفیت زندگی شامل متغیّرهایی است که رابطه‌ی فرد را با امکانات لازم برای برخورداری از یک زندگی سالم و راحت در نظر می‌گیرد. مهم‌ترین این شرایط عبارتند از: رفاه مادی (داشتن شغل و درآمد مناسب)، تغذیه‌ی مناسب، مسکن مناسب و راحت، زندگی در محیطی سالم (هوای سالم، آب سالم، زیبایی، دسترسی به فضای سبز، وجود امنیت فیزیکی به لحاظ نبود جرم و جنایت و خشونت و...)، دسترسی به خدمات با کیفیت آموزشی و بهداشتی و خدمات عمومی حمل و نقل و خدمات فرهنگی و امکانات تفریحی و ورزشی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

درباره‌ی بعد سرمایه‌ای و نمادین کیفیت زندگی، ارائه‌ی تعریفی واحد از آن با دشواری همراه است. در این مطالعه تعریف عملیاتی ما بر اساس تعریف موسوی و همکاران (۱۳۸٦) از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، سرمایه‌ی اجتماعی شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی میان فردی و میان گروهی و تعاملات افراد با نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است. پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را دارای مؤلفه‌هایی مانند؛ شبکه‌ها و هنجارهای مشارکت مدنی و اعتماد به سایر شهروندان می‌داند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹٤).

پژوهش‌های مربوط به **کارآمدی نظام سیاسی** تعریف‌های متعددی را از این مفهوم در اختیار ما قرار می‌دهد. به عنوان مثال بهره‌گیری از قدرت سیاسی، اعمال کنترل بر جامعه و مدیریت منابع برای توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی یا مدیریت کارآمد عمومی از راه بر پا کردن حکومت و قواعد مشروع و قانونی در راستای پیشبرد ارزش‌های اجتماعی افراد و گروه‌ها (-سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۳۳). هم‌چنین کارآمدی نظام سیاسی در برگرینده‌ی: وجود قدرت سیاسی کارآمد برای اجرا و تقویت استانداردهای جمعی، میزان تعهد و تعلق به نظام سیاسی و کارگزاران آن، آزادی، تأمین حقوق انسانی، امنیت سیاسی در معنای عدم سرکوب دولتی، فقدان نقض سازمان یافته‌ی حقوق بشر به عنوان یکی از شرایط امنیت انسانی، آزادی انتخاب، آزادی‌های سیاسی، تضمین شفافیت و تأمین حمایتی، برابری، انصاف و امنیت.

استدلال تجربی

دراین قسمت از طریق استدلال استقرایی (تجربی) صدق یا کذب تبیین تئوریک مورد داوری قرارگرفته است. اگر گزاره‌ی مشاهده‌ای استدلال نظری را تأیید کند، می‌توان به طور موقت برتبیین تئوریک این نوشتار اعتماد کرد. دراین پژوهش تحلیل تجربی در دو سطح انجام یافته است: ۱- تحلیل توصیفی ۲- تحلیل تبیینی.

یافته های توصیفی

جدول شماره‌ی (۲)، توزیع پراکندگی نمرات کیفیت زندگی دانشجویان را نشان می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین کل نمرات کیفیت زندگی در همه ابعاد آن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

۷۸/۳۲، حداقل نمره ۳۱ و حداکثر آن هم ۱۱۳ است. این موضوع بیان کننده‌ی آن است که میزان کیفیت زندگی دانشجویان از میانگین بیش‌تر است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه‌ی بسیط و قاطعی میان کیفیت زندگی مادی و کیفیت زندگی ذهنی دانشجویان وجود ندارد. واقعیت این است که برخی متغیرهای ذهنی و احساسی مانند: رضایت از زندگی و حس سعادت، عامل مهمی بر کنترل کیفیت زندگی افراد است (عنبری، ۱۳۸۹: ۱۵۷). اینگلهارت معتقد است «احساس رضایت که از بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی (و وضعیت اجتماعی – اقتصادی) به وجود می‌آید» (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲٤۱) با فهم و درک از کیفیت زندگی ارتباط مستقیم دارد. ممکن است افرادی که از کیفیت زندگی (مادی) بالایی برخوردارند، رضایت کمتری از زندگی داشته باشند یا برعکس، آنانی که از کیفیت زندگی پایینی برخوردارند، رضایت بالایی از زندگی داشته باشند. بنابراین، هیچ تضمینی وجود ندارد که با افزایش کیفیت زندگی (مادی)، رضایت از زندگی نیز بالا برود (عنبری، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

جدول شماره ی (۲)- توزیع پراکندگی نمرات کیفیت زندگی

متغیّر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
کیفیت زندگی	۲۵۴	۷۸/۳۲	۱۳/۹۶	۳۱	۱۱۳

هم‌چنین، میزان رضایت از وضعیت فردی زندگی دانشجویان بالاست. اما در خصوص ارزیابی فرایندهای اجتماعی مانند؛ عدالت، مسائل اقتصادی، اشتغال، تورم و ... به خصوص بعد سیاسی کیفیت زندگی، رضایت عمومی دانشجویان سیر نزولی دارد. نکته‌ی قابل توجه این است که بخشی از بدبینی‌های موجود به ویژه نگرش‌های معطوف به امور کلان جامعه‌ی را باید در ارتباط با مطالبات گسترده و روز افزونی دید که از تعامل جامعه ایران با جوامع جهانی و غربی و نگرش به دستاوردهای مادی آن‌ها برای دانشجویان حاصل شده است.

جدول شماره‌ی (۳) توزیع پراکندگی نمرات کارآمدی نظام سیاسی دانشجویان را نشان می‌دهد. یافته‌ها دلالت بر آن دارد که میانگین کل نمرات افراد ۲۳/۲٦، حداقل نمره ۹ و حداکثر آن هم ٤٥ است. این نکته بیان‌کننده‌ی آن است که میزان کارآمدی نظام سیاسی دانشجویان از میانگین کمتر است. نتایج تحقیق نشان داد که مشروعیت نظام سیاسی بیش‌تر از مشروعیت به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

کنشگران سیاسی است. بررسی شایگان (۱۳۸۷) نیز بیان‌کننده‌ی آن است که اعتماد به نظام سیاسی بیش‌تر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. نکته‌ی قابل توجه این است که بخش مهمی از نارضایتی را نباید درون چارچوب‌های توسعه نیافتگی و نارضایتی تحلیل کرد، بلکه برعکس باید آن را در چارچوب‌های رضایت طلبی، توقعات و فراوان خواهی‌های انسان امروز جستجو کرد. به عبارت بهتر، بخش مهمی از اطلاعات عامه‌ی مردم و به ویژه دانشجویان درباره‌ی فرایندهای اجتماعی و اقتصادی و نظام سیاسی، وابسته به رسانه‌ها و مطبوعات است. مبنای بسیاری از مقایسه‌های اجتماعی مردم و به خصوص دانشجویان، اطلاعاتی است که رسانه‌ها تولید می‌کنند.

جدول شماره‌ی (۳) - توزیع پراکندگی نمرات کارآمدی نظام سیاسی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
کارآمدی نظام سیاسی	۳۰۹	۲۳/۲۶	۱۰/۰۵	۹	۴۵

یافته‌های تبیینی

در این قسمت به بررسی روابط میان متغیّرهای تحقیق و آزمون فرضیه‌ها می‌پردازیم. همان‌گونه که جداول زیر نشان می‌دهد، ضریب همبستگی کیفیت زندگی با نگرش کارآمد به نظام سیاسی مثبت است و این نتیجه فرضیه‌ی تحقیق را تأیید می‌کند. مبنی بر این‌که، با افزایش کیفیت زندگی، میزان نگرش کارآمد به نظام سیاسی افزایش می‌یابد. در بررسی رابطه‌ی ابعاد کیفیت زندگی با کارآمدی نظام سیاسی، بعد ذهنی کیفیت زندگی بر نگرش کارآمد به نظام سیاسی بالاترین میزان تأثیر مثبت و اثر کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بر آن کمترین تأثیر را در جهت مثبت نشان می‌دهد. اما در بررسی رابطه‌ی ابعاد جزیی دو متغیر (با استفاده از سنجش تک تک پرسش‌های کیفیت مادی زندگی با میزان نگرش کارآمد دانشجویان به نظام سیاسی که از طریق آزمون تفاوت میانگین‌ها انجام شد) چنین رابطه‌ای دیده نمی‌شود. به طور خاص رابطه‌ی کیفیت مادی و فیزیکی زندگی در دو وضعیت خیلی عالی و خیلی ضعیف آن، با نگرش کارآمد دانشجویان به نظام سیاسی رابطه منفی را نشان می‌دهد. یعنی تأثیر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

آن بر نگرش فرسایشی است. در حالی که نتایج کلی همبستگی میان دو متغیّر رابطه‌ی مثبت را نشان می‌دهد؛ به این معنا که افزایش کیفیت مادی زندگی موجب افزایش نگرش کارآمد دانشجویان به نظام سیاسی است و هم‌چنین کاهش کیفیت مادی زندگی، سبب کاهش آن است.

در این پژوهش برای داوری تجربی درباره‌ی درستی فرضیه‌ها از روش تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود. هم‌چنین در این تحلیل، از رگرسیون چندگانه برای بررسی هم‌زمان رابطه‌ی متغیّرهای مستقل و وابسته و تحلیل مسیر بهره می‌بریم.

فرضیه‌ی اول: میان کیفیت زندگی و کارآمدی نظام سیاسی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

جدول شماره‌ی (٤)- خلاصه‌ی تحلیل رگرسیونی فرضیه‌ی اول

R	R Square	F	Sig	Constant	B	$Beta_1$
۰/۵۱۵	۰/۲۶۲	۶۲/۴۲۸	۰/۰۰۰	-۵/۵۸	۰/۳۷۲	۰/۵۱۵

براساس جدول شماره‌ی(٤)، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که ضریب همبستگی متغیّر کیفیت زندگی و میزان کارآمدی نظام سیاسی برابر با **۰/۵۱۵**است؛ بنابراین نسبتی از واریانس متغیّر میزان کارآمدی نظام سیاسی که از طریق متغیّر کیفیت زندگی تبیین شده است به اندازه‌ی ۰/۲٦۲ است. تابع رگرسیون عرض از مبدا معادل **۵/۵۸**- است؛ به این معنا که اگر اثر متغیّر کیفیت زندگی بر روی میزان کارآمدی نظام سیاسی کنترل شود میزان کارآمدی نظام سیاسی به اندازه **۵/۵۸**- است. هم‌چنین، اگر متغیّر کیفیت زندگی وارد شود یافته‌ها دلالت بر آن دارد که به ازای یک واحد افزایش در میزان این متغیّر ما به اندازه‌ی **۰/۳۷۲** تغییر مثبت در میزان کارآمدی نظام سیاسی خواهیم داشت که معادله‌ی رگرسیونی آن به این صورت است:

$$Y = -۵/۵۸ + ۰/۳۷ X$$

فرضیه‌ی دوم: با افزایش بعد ذهنی کیفیت زندگی، نگرش کارآمد به نظام سیاسی نیز افزایش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

می‌یابد.

جدول شماره‌ی (۵) – خلاصه‌ی تحلیل رگرسیونی فرضیه‌ی سوم

R	R Square	F	Sig	Constant	B	$Beta_1$
۰/۴۳۹	۰/۱۹۳	۵۹/۴۴۲	۰/۰۰۰	۰/۹۵۹	۰/۴۷۴	۰/۴۳۹

بر اساس جدول شماره‌ی(۵)، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که ضریب همبستگی متغیّر بعد ذهنی کیفیت زندگی و میزان کارآمدی نظام سیاسی برابر با ۰/٤۳۹است؛ بنابراین نسبتی از واریانس متغیّر میزان کارآمدی نظام سیاسی که از طریق متغیّر بعدذهنی کیفیت زندگی تبیین شده است به اندازه‌ی ۰/۱۹۳ است. تابع رگرسیون عرض از مبدا معادل ۰/۹۵۹ است به این معنا که اگر اثر متغیّر بعد ذهنی کیفیت زندگی بر روی میزان کارآمدی نظام سیاسی کنترل شود میزان کارآمدی نظام سیاسی به اندازه ۰/۹۵۹ است. هم‌چنین، اگر متغیر بعد ذهنی کیفیت زندگی وارد شود یافته‌ها دلالت بر آن دارد که به ازای یک واحد افزایش در میزان این متغیّر ما به اندازه ۰/٤۷٤ تغییر مثبت در میزان کارآمدی نظام سیاسی خواهیم داشت که معادله رگرسیونی آن به این صورت است:

$Y = ۰/۹۵۹ + ۰/٤۷٤ X$

فرضیه‌ی سوم: با افزایش کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، نگرش کارآمد به نظام سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره‌ی (٦)- خلاصه‌ی تحلیل رگرسیونی فرضیه‌ی سوم

R	R Square	F	Sig	Constant	B	$Beta_1$
۰/۲۲۲	۰/۰۴۹	۴۷/۴۷۲	۰/۰۰۰	۱۱/۷۱۳	۰/۹۷۲	۰/۲۲۲

براساس جدول شماره‌ی(٦)، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که ضریب همبستگی متغیّر کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و میزان کارآمدی نظام سیاسی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

برابر با ۰/۲۲۲ است؛ بنابراین نسبتی از واریانس متغیر میزان کارآمدی نظام سیاسی که از طریق متغیّر کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی تبیین شده است به اندازه‌ی ۰/۰۴۹ است. تابع رگرسیون عرض از مبدأ معادل ۱۱/۷۱۳ است؛ به این معنا که اگر اثر متغیّر کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بر روی میزان کارآمدی نظام سیاسی کنترل شود، میزان کارآمدی نظام سیاسی به اندازه‌ی۱۱/۷۱۳ است. هم‌چنین، اگر متغیّر کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی وارد شود، یافته‌ها دلالت بر آن دارد که به ازای یک واحد افزایش در میزان این متغیّر به اندازه‌ی ۰/۹۷۲ تغییر مثبت در میزان کارآمدی نظام سیاسی خواهیم داشت که معادله‌ی رگرسیونی آن به این صورت است:

$Y = ۱۱/۷۱۳ + ۰/۹۷ X$

فرضیه‌ی چهارم: با افزایش کیفیت مادی زندگی، نگرش کارآمد به نظام سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره‌ی (۷)- خلاصه‌ی تحلیل رگرسیونی فرضیه چهارم

R	R Square	F	Sig	Constant	B	$Beta_1$
۰/۳۴۶	۰/۱۲	۳۳/۲۷۸	۰/۰۰۰	۹/۷۵	۰/۸۹	۰/۳۴۶

بر اساس جدول شماره‌ی(۷)، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون بیان‌کننده‌ی آن است که ضریب همبستگی متغیّر کیفیت مادی زندگی و میزان کارآمدی نظام سیاسی برابر با ۰/۳۵ است بنابراین نسبتی از واریانس متغیّر میزان کارآمدی نظام سیاسی که از طریق متغیّر جهانی‌نگری تبیین شده است به اندازه‌ی ۰/۱۲ است. تابع رگرسیون عرض از مبدأ معادل ۹/۷۵ است به این معنا که اگر اثر متغیّر کیفیت مادی زندگی بر روی میزان کارآمدی نظام سیاسی کنترل شود میزان کارآمدی نظام سیاسی به اندازه‌ی ۹/۷۵ است. هم‌چنین، اگر متغیّر کیفیت مادی زندگی وارد شود یافته‌ها دلالت بر آن دارد که به ازای یک واحد افزایش در میزان این متغیّر به اندازه-ی ۰/۸۹ تغییر مثبت در میزان کارآمدی نظام سیاسی خواهیم داشت که معادله‌ی رگرسیونی آن به این صورت است:

$Y = ۹/۷۵ + ۰/۸۹ X$

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر از خانواده تحلیل رگرسیون است. این تکنیک زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که متغیّرها در سطح سنجش فاصله‌ای باشند. یکی از کاربردهای سودمند روش تحلیل مسیر، آزمودن مدل تئوریک تحقیق است (ساعی، ۱۳۸٦ : ١٦٥).

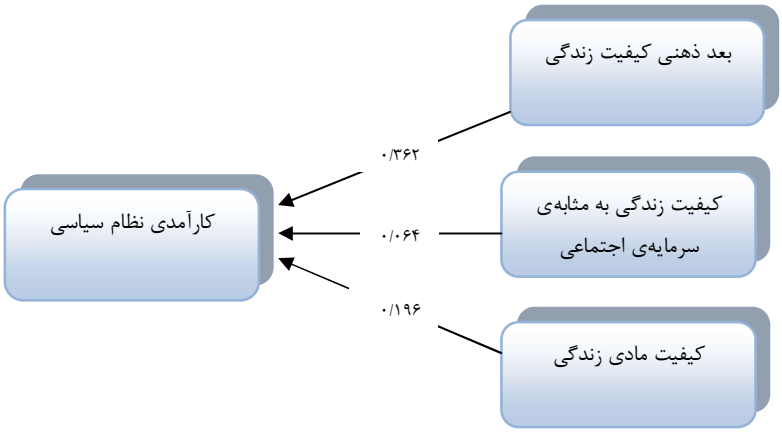
جدول شماره‌ی (۸)- ضریب رگرسیون چندگانه برای تحلیل مسیر

R	R^2	F	Sig	Constant	Reg Coefficients					
					B_1	B_2	B_3	$Beta_1$	$Beta_2$	$Beta_3$
۰/۵۲۴	۰/۲۷۵	۲۲/۳۵۲	۰/۰۰۰	-۵/۳۶۵	۰/۳۷۶	۰/۲۷۲	۰/۵۰۱	۰/۳۶۲	۰/۰۶۴	۰/۱۹۶

متغیّرهای مستقل: ۱. کیفیت زندگی مادی ۲. کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی ۳. کیفیت زندگی ذهنی:

متغیّر وابسته: کارآمدی نظام سیاسی

با جای‌گذاری ضرایب بتای به‌دست آمده جدول شماره‌ی(۸)، به مسیرهای زیر دست می‌یابیم:



شکل شماره‌ی (۲)- تحلیل مسیرمتغیّرهای مستقل با کارآمدی نظام سیاسی (منبع: نگارندگان)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

با توجه به شواهد تجربی شکل بالا ضریب تأثیر بعد ذهنی کیفیت زندگی بر روی میزان کارآمدی نظام سیاسی ۰/۳٦۲ بالاترین میزان تأثیر مثبت بر کارآمدی نظام سیاسی افراد را دارد و تأثیر کیفیت زندگی به مثابهی سرمایهی اجتماعی بر میزان کارآمدی نظام سیاسی کمترین تأثیر (۰/۰٦٤) را نشان میدهد.

بحث و نتیجه گیری

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چندبعدی در رابطه با وضعیت اجتماع، در یک مقیاس جغرافیایی معین است که در دو سطح فردی و ساختاری و هم متّکی به شاخصهای عینی و هم متکّی به شاخصهای ذهنی است. بنابراین مفهوم کیفیت زندگی میتواند به عنوان ابزاری نیرومند برای نظارت بر برنامهریزی توسعه در جامعه استفاده شود و به برنامهریزان برای نظارت بر اجتماع، ارزیابی اثربخشی و کارآیی سیاستها و برنامههای فعلی و تدوین برنامههای جدید کمک کند. زیرا ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مانند؛ سرمایهی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی و مطرودیت اجتماعی، شاخصهای کیفی و انسانیتر توسعه مانند: خوشبختی، آزادی، رضایت از زندگی و احساس امنیت، سلامتی و بهداشت، سطح تحصیلات، قدرت خرید، طول عمر، شادکامی، رضایتمندی، ثروت، سبک زندگی و ... را دربرمیگیرد. از سوی دیگر کارآمدی نظام سیاسی نیز دربرگیرندهی وجه سیاسی توسعه است. هر حکومتی ممکن است در عرصهی تحقق کارویژهها، وظایف و اهداف خود با درجهای از ناکارآمدی و دغدغهی آن روبهرو شود. کاهش کارآمدی، بیماری گریزناپذیر هر نظام سیاسی است و نظامهایی موفقاند که همواره با ارائهی راهکارهای نظری و عملی در علاج این بیماری موسمی بکوشند؛ هر چند این مداوا قطعی نیست و موقت است. حتی نظامهای کارآمد نیز به دنبال تجربهی راههای جدیدی برای افزایش کارآمدی خود هستند؛ زیرا این واقعیت دارد که ناکارآمدی از اساسیترین چالشهای توسعه و پیشرفت هر کشور و از علل مهم مخل این مسیر است و هر گونه طراحی توسعه باید جای ویژهای را برای ارتقای کارآمدی در کلیهی جوانب و عرصهها قائل باشد. بنابراین در تحقیق حاضر به بررسی کیفیت زندگی به عنوان یکی از متغیّرهای مهم توسعه و بیان رابطهی آن با میزان کارآمدی نظام سیاسی به عنوان متغیّر دیگر توسعه پرداخته شده است. بر این اساس، نتایج زیر به دست آمد:

این پژوهش نشان داد که میان همهی مؤلفههای کیفیت زندگی رابطهی معناداری وجود

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

دارد و جهت رابطه نیز مثبت است. بیش‌ترین همبستگی میان بعد ذهنی کیفیت زندگی و کیفیت مادی زندگی با ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/٤۹۸) است. بر همین اساس اینگلهارت رضایت فرد از کل زندگی را بازتاب مجموع رضایت وی در زمینه‌های گوناگون مانند: درآمد، مسکن، شغل، فعالیت‌های فراغت، زندگی خانوادگی و غیره در نظر می‌گیرد (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲٤۳). و کمترین همبستگی میان کیفیت مادی زندگی و کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده(۰/۱٦٤) است.

هم‌چنین، میان کیفیت زندگی دانشجویان و نگرش آنان مبنی بر کارآمدی نظام سیاسی رابطه‌ی خطی مثبت و معناداری وجود دارد، یعنی با افزایش کیفیت زندگی دانشجویان، نگرش آنان مبنی بر کارآمدی نظام سیاسی نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس، موری یکی از شرایط مؤثر در بهبود کیفیت زندگی را وجود قدرت سیاسی کارآمد برای اجرا و تقویت استانداردهای جمعی می‌داند (موری، ۱۹۹۸: ۵۳). اما در بررسی رابطه‌ی ابعاد جزیی دو متغیر (با استفاده از سنجش تک تک پرسش‌های کیفیت مادی زندگی با میزان نگرش کارآمد دانشجویان به نظام سیاسی که از طریق آزمون تفاوت میانگین‌ها انجام شد) چنین رابطه‌ای دیده نشد. به طور خاص رابطه‌ی کیفیت مادی و فیزیکی زندگی در دو وضعیت خیلی عالی و خیلی ضعیف آن، با نگرش کارآمد دانشجویان به نظام سیاسی رابطه‌ی منفی را نشان داد؛ یعنی تأثیر آن بر نگرش فرسایشی بود. در حالی که نتایج کلی همبستگی میان دو متغیر رابطه‌ی مثبت را نشان داد. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نیز نشان داد که بعد ذهنی کیفیت زندگی بر روی میزان کارآمدی نظام سیاسی بالاترین میزان تأثیر مثبت را دارد و تأثیر کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بر روی میزان کارآمدی نظام سیاسی کمترین تأثیر را دارا ست.

درباره‌ی سازگار بودن دستگاه نظری با یافته‌های پژوهش نیز می‌توان اشاره کرد که نتایج این تحقیق، هماهنگ با مباحثی است که در بخش چارچوب نظری به آن پرداخته شد، بدین ترتیب که افزایش کیفیت زندگی در همه‌ی مؤلفه‌های آن مطابق با پیش‌بینی نظری موجب افزایش کارآمدی نظام سیاسی است. البته ارزیابی از وضعیت فردی زندگی، میزان بالاتری از رضایت‌مندی را در مقایسه با ارزیابی از فرایندهای اجتماعی نشان می‌دهد. در خصوص ارزیابی از نظام سیاسی و عملکرد کارگزاران نظام سیاسی سیر نزولی نشان داده شد. آنجا که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

نظام سیاسی مورد مطالعه بوده سطح رضایت‌مندی بالاتر از عملکرد کارگزاران نظام سیاسی ارزیابی شد. اما در مجموع بخش مهمی از نارضایتی در سطح فرایندهای اجتماعی را نیز باید در چارچوب‌های افزایش استانداردهای زندگی، رضایت طلبی، توقعات و فراوان خواهی‌های انسان امروز جستجو کرد.

در پایان، از نظر تداوم طرح‌های پژوهشی درباره‌ی موضوع با اهمیت کیفیت زندگی و کارآمدی نظام سیاسی لازم است به چند نکته اشاره شود. کیفیت زندگی مفهومی است که ابعاد مختلفی برای آن برشمرده‌اند. در این تحقیق به سه بعد کیفیت زندگی یعنی: کیفیت مادی زندگی، بعد ذهنی کیفیت زندگی و کیفیت زندگی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی نگاه شد. در پژوهش‌های بعدی می‌توان با ارائه ابعادی دیگر برای مفهوم کیفیت زندگی و هم‌چنین متغیّرهای دیگر جامعه شناختی به بررسی کیفیت زندگی پرداخت.

به عنوان آخرین پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی، باید گفت که جمعیت این پژوهش، یعنی دانشجویان، قشر خاصی هستند که به اقتضای موقعیت نقشی خود که نیروهای مستقل، انتقادی و رادیکالی می‌باشند از نگرش انتقادی بیش‌تری نسبت به نظام سیاسی برخوردارند. در نتیجه، روابط مشاهده شده میان کیفیت زندگی و کارآمدی نظام سیاسی بر اساس یافته‌های نمونه‌ی دانشجویی، ممکن است با یافته‌های مربوط به گروه‌های دیگر اجتماعی متفاوت باشد. بنابراین، بررسی رابطه‌ی کیفیت زندگی و کارآمدی نظام سیاسی براساس نمونه‌ای از سایر گروه‌های اجتماعی ممکن است نتایج متفاوتی در پی داشته باشد و جنبه‌های دیگری از رابطه کیفیت زندگی و کارآمدی نظام سیاسی را نشان دهد.

منابع

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۹) « آرمان‌های حکومت در نهج البلاغه »، **حکومت اسلامی**، شماره‌ی ۱

اینگلهارت، رونالد(۱۳۸۲) **تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی**، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.

باجپایی، کانتی(۱۳۸٤) **امنیت انسانی، مفهوم و سنجش**، ترجمه‌ی صابر شیبانی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

پاتنام، روبرت(۱۳۸۰) **دموکراسی و سنت های مدنی**، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر غدیر.

دال، رابرت (۱۳٦٤) **تجزیه و تحلیل علم سیاست**، حسین ظفریان، تهران: نشر مترجم.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی(۱۳۸۲) **ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور**، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موج دوم.

ساعی، علی (۱۳۸٦) **روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)**، تهران: سمت.

سردارنیا، خلیل الله (۱۳۸۸) «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۵۹-۲٦۰.

سن،آمارتیا (۱۳۸۲) **توسعه به مثابه آزادی**، ترجمه وحید محمودی، تهران: دستان.

شایگان، فریبا (۱۳۸۷) «بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی»، **دانش سیاسی**، شماره‌ی٤، ص ۱۵۳-۱۷۹.

صادقی، علی‌رضا (۱۳۸۹) «کیفیت زندگی؛ شاخص توسعه‌ی اجتماعی»، **مجله‌ی کتاب ماه علوم-اجتماعی** ، شماره‌ی ۳٤

عنبری، موسی(۱۳۸۹) «بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران(۱۳٦۵-۱۳۸۵)»، **مجله توسعه روستایی**، شماره‌ی ۲.

غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۷) «کیفیت زندگی در برنامه های عمرانی و توسعه ایران»، **مجله رفاه اجتماعی**، شماره‌ی ۳۰ و ۳۱.

غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۸) **کیفیت زندگی شاخص توسعه‌ی اجتماعی**، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

گلریز، حسن(۱۳٦۸) **فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی**، تهران: مرکز آموزش بانکداری.

موسوی، میر طاهر، پیران، پرویز، شیانی، ملیحه، عبدالهی، محمد، مدنی، سعید(۱۳۸٦) **طرح ملی بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در ایران**، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

نش، کیت(۱۳۸۰) **جامعه شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن، سیاست، قدرت**، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.

Bernard,P.(1999) **Social Cohesion: A Critique**, CPRN discussion paper, Dember 1999, Ottawa,

Diwan, R.(2000) «Relational wealth and the quality», **Jurnal of Socio- Economics,** Vol. 29, p.p. 305-340.

Lipset,S.M.(1959) **« political Man, The social Bacis of politics»**, New York: Doubleday .

Liu, B.(1976) **quality of life indicators in u.s. metropolitan areas: A statistical analysis**, New York, Praeger

Murray,C.(1988) **In pursuit of happiness and good government**, New York, Simon and Schuster.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

Newton,kennet.(2001) «Trust, Sociol Capital, Civil Socieety and Democracy», **International Political Science Review**,Vol.22, No. 2.

Noll, H. (2002) «Towards a Europen system of social indicators: theoretical framework and system architecture»,**Social indicators research,** Vol. 58,P.P.47-87.

Phillips, D. (2006) **Quality of life; concept, policy and practice**, London, Routledge.

Putnam, Robert. (2000) **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**,(NewYork: Simon and Schuster.

UNDP (1990,2005) **Human Developmen report**, Oxford university press.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]